

معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام با تأکید بر دلالت‌های تربیتی آن

غلامحسین رضایت *

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۲۶

فاطمه رضایت **

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۴/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش، معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام با تأکید بر دلالت‌های تربیتی آن، در قالب مراتب، منابع، ابزار، موانع و پیامدهای معرفت همچنین شرایط علی و واسطه‌ای و راهبردهای کسب معرفت از دیدگاه امام علی (ع) و تبیین دلالت‌های تربیتی آن است. در راستای دستیابی به این هدف، هشت سؤال طراحی شد. روش این پژوهش، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و مواد و محتوای این تحقیق کتاب‌های ارزشمند نهج‌البلاغه، غررالحکم و سایر منابع روایی شیعه در بردارنده سخنان آن حضرت بود. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که شرط علی کسب معرفت «هدایت الهی»؛ شرط میانجی آن «تقوای الهی»؛ مراتب معرفت شامل: «شک، ظن و یقین»؛ منابع معرفت شامل «وحی و الهام، عقل، قلب، فطرت، آیات آفاقی (طبیعت) و آیات انفسی (انسان) و تاریخ» و ابزار معرفت شامل: «تدبر در قرآن، خردورزی (تعقل / تفکر)، حس، کشف و شهود، عبرت‌گیری و تأسی به سیره اهل‌بیت» است. همچنین موانع معرفت شامل: «پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی، محبت غیر خدا، شهوت‌پرستی، آرزوهای طولانی، اطاعت از فاسقان و هم‌نشینی با آنان، مزاح و شوخی بیجا و بیش‌ازحد، عجب و خودپسندی، فتنه، طمع، فقر، وسوسه‌های شیطانی، خشم و غضب، جدل، به‌کارنبستن علم، غرور، کوته‌بینی و شبهه» و پیامدهای معرفت شامل: «تمیز حق از باطل، برخورداری از اجر شهید، کسب ایمان، حفظ دین، زهد، کسب فضیلت، کسب بصیرت، کسب معنویت، حکمت، آگاهی به زمان خویش، خداشناسی و آمرزش» و راهبردهای توسعه معرفت شامل: «اخلاص، ایثار، سیر در آیات آفاقی (طبیعت) و آیات انفسی (خودشناسی)، ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس و تجربه» است. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که دلالت‌های تربیتی مناسب معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) در بعد اهداف تربیت شامل «قرب الهی» به‌عنوان هدف آرمانی، چهار هدف کلی و تعدادی اهداف فرعی همچنین روش‌ها و موضوعات تربیتی مناسب با آن بود.

کلیدواژه‌ها: شناخت؛ معرفت؛ معرفت‌شناسی؛ امام علی (ع)؛ دلالت‌های تربیتی

* نویسنده مسئول: استادیار گروه تعلیم و تربیت دانشگاه جامع امام حسین (ع)

** دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث قم

مقدمه و بیان مسئله

معرفت، اثری بنیادین و انکارناپذیر بر جهان‌بینی، افکار، نگرش و رفتار انسان دارد. در همین زمینه، امام علی (ع) در وصیت‌شان به کمیل‌بن‌زیاد فرمودند: «یا کَمیلُ ما مِنْ حَرکةٍ إِلَّا و أَنْتَ مُحْتاجٌ فیها إلی مَعْرِفَةٍ» (تحف‌العقول: ۱۷۱): ای کمیل هیچ حرکت و فعلیتی نیست، مگر آنکه تو در انجام آن به آگاهی و معرفت نیازمندی. براین اساس، مسئله شناخت و کسب معرفت نسبت به ابعاد مختلف هستی، نخستین مسئله‌ای است که بشر از ابتدای خلقت با آن روبه‌رو بوده و قدمتی بس‌دیرینه مطابق خلقت بشر داشته و همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان، عرفا، فلاسفه و متفکران حوزه‌های مختلف علمی بوده است.

در دهه‌های گذشته، اندیشمندان و فلاسفه از جمله شهید مطهری بیشتر از واژه شناخت و شناخت‌شناسی برای این مفهوم استفاده می‌کردند؛ اما از اواخر دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی، واژه معرفت و معرفت‌شناسی^۱ جایگزین واژه‌های شناخت و شناخت‌شناسی شد، به گونه‌ای که در حال حاضر، کم‌تر از واژه‌های شناخت و شناخت‌شناسی استفاده می‌شود.

معرفت‌شناسان، معرفت را باور صادق موجه، تعریف کرده‌اند. واژه معرفت و معادل‌های آن در زبان فارسی و عربی به معنای آگاهی، شناخت و ادراک است. فلاسفه مسلمان از میان معانی متعدد و کاربردهای گوناگون معرفت، معنای لغوی آن را که مطلق آگاهی و شناخت است در نظر گرفته، و به کار می‌برند. از این رو، در معرفت‌شناسی منظور از معرفت، مطلق آگاهی و شناخت است. البته می‌توان، بحث را به پاره‌ای از اقسام معرفت اختصاص داد و درباره آنها بحث کرد، اما از آنجا که معرفت‌شناسی در صورتی کامل و جامع است که همه اقسام معرفت را ارزیابی کند، بهتر است که از معرفت در معرفت‌شناسی، مطلق علم و آگاهی اراده شود (حسین‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸).

جوادی آملی (۱۳۸۷) در تعریف شناخت می‌نویسد: شناخت عبارت از آگاهی به واقعیت و یا راه‌پیدا کردن به آن است (ص ۸۷). همچنین سبحانی (۱۳۸۲) در تعریف شناخت می‌نویسد: هرگاه بخواهیم شناخت را به گونه‌ای تعریف کنیم که تمام اقسام آگاهی را شامل شود، باید بگوییم، علم، جز حضور معلوم نزد عالم چیز دیگری نیست و این تعریف همه اقسام آگاهی را دربر می‌گیرد. معرفت‌شناسی در گذشته به‌عنوان یک بحث مستقل و جدا، در فلسفه مطرح نبوده، بلکه در

فلسفه غرب ذیل سایر مباحث فلسفی ارائه می‌شد، اما در دهه‌های اخیر، به‌صورت علمی مجزا و مستقل و یکی از شاخه‌های اصلی فلسفه به حساب می‌آید که به ماهیت، مراتب (سطوح)، منابع، ابزارها و روش‌های کسب معرفت می‌پردازد. در فلسفه اسلامی نیز از دیرباز مسائل مربوط به این موضوع، همواره به‌صورت پراکنده در ذیل سایر مباحث فلسفی مورد بررسی قرار گرفته است، برخی از صاحب‌نظران علت تأسیس نشدن علم مستقل معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی را ثبات، استحکام و تزلزل‌ناپذیری موضع عقل در این فلسفه دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

مباحث معرفت‌شناسی از بنیان‌های اصلی تربیت است که تبیین‌های لازم برای استنباط و استخراج دلالت‌های تربیتی را فراهم می‌آورد، دلالت‌های تربیتی به معنای استنباط و استخراج مدلول‌های تربیتی از گزاره‌های بدیهی یا اثبات‌شده فلسفی، یکی از موضوعات اساسی فلسفه تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید که در پرتو آن دلالت‌های تربیتی مناسب نظیر مفهوم تربیت، مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و موضوعات تربیتی به دست می‌آید. با توجه به توضیحات فوق، موضوع پژوهش حاضر، تبیین مبانی معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) و استنباط و استخراج دلالت‌های تربیتی متأثر از این مبانی است.

میزان آگاهی انسان از حقایق هستی همواره یکسان نبوده و دانشمندان مسلمان از جمله شاکر (۱۳۸۰) مراتب (سطوح) معرفت را شامل سه سطح یقین، ظن و شک معرفی می‌کنند. یقین در اصطلاح، اعتقاد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت باشد و به هیچ وجه امکان زوال و احتمال خلاف در آن راه ندارد (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۹۶). شک، پایین‌ترین مرتبه از شناخت و معرفت است. شک در لغت به حالت نفسانی ناشی از تردید بین دو یا چند چیز گفته می‌شود، اعم از آنکه دو طرف تردید همسان (پنجاه، پنجاه) باشند (نجفی ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۴۹ - ۳۴۸). ظن، نیز یکی از مراتب معرفت است، چنانچه به نظر فرد یک طرف تردید قوی‌تر و از طرف دیگر به واقع نزدیک‌تر باشد، در اصطلاح، طرف راجح را ظن گویند (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۶۱؛ شب‌خیز، ۱۳۹۳: ۵۵۰). جوادی آملی (۱۳۸۹) یقین را بالاترین درجه معرفت و آن را دارای سه مرحله «علم‌الیقین»، «عین‌الیقین» و «حق‌الیقین» معرفی می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی، بحث «منابع شناخت» است که به دلیل قرابت و نزدیکی آن با بحث «ابزارهای شناخت» برخی از نویسندگان بین این دو، اختلاط و امتزاج ایجاد کرده‌اند، اما در صورت دقت بیشتر می‌توان، دریافت که اینها دو مقوله کاملاً جدا و متمایز از

یکدیگرند و بحث «ابزارهای شناخت» متمم منابع است. محمدی ری شهری (۱۳۸۸) منبع را به معنای مرکز و محل جوشش معرفی می کند (ص ۱۶۱). لذا یکی از مباحثی که در معرفت شناسی مطرح است، بحث منابع معرفت است که از قدیم مورد بحث و اختلاف میان دانشمندان بوده است. بحث در این مورد باعث تشکیل گروه‌هایی شده است که برخی (حس‌گراها) فقط حس را منبع شناخت می دانند، برخی دیگر (عقل‌گرایان) عقل را و برخی (اشراقیون) قلب و دل را تنها منبع معرفت بشری می دانند. اما در این زمینه بین فرق اسلامی، وحدت و هماهنگی بیشتری وجود دارد، بین این فرق، علاوه بر منابع فوق منابع دیگری از جمله وحی، طبیعت، فطرت و تاریخ نیز به عنوان منبع شناخت محسوب می شوند که قلمرو شناخت را گسترش بیشتری می دهند.

پیشینه پژوهش

پیشینه این موضوع دربردارنده دو دسته منابع شامل کتاب‌های معرفت‌شناسی و مقاله‌های مرتبط با آن همچنین تحقیقات انجام شده درخصوص دلالت‌های تربیتی است که در ادامه به توضیح مختصری پیرامون برخی از مهم‌ترین کتاب‌ها و مرتبط‌ترین مقاله‌ها خواهیم پرداخت:

کتاب‌ها

مطهری (۱۳۷۱) در کتاب «مسئله شناخت» به بررسی امکان شناخت، ابزارهای شناخت (شامل حس، قوه عاقله و تزکیه نفس)، منابع شناخت (طبیعت، عقل، تاریخ و دل)، مراحل و درجات شناخت، سازوکار تعمیم شناخت حسی، شناخت آیه‌ای، روان ناخودآگاه و شناخت آیه‌ای، شناخت حقیقی، تعاریف حقیقت و منطق عمل و اشکالات وارد بر منطق عمل پرداخته است.

سبحانی (۱۳۸۲) در کتاب «شناخت در فلسفه اسلامی» به بررسی انگیزه‌های بحث در شناخت، تعریف شناخت، ارزش معلومات، ابزار شناخت، مراحل شناخت، ملاک شناخت و معیار آگاهی از صدق و کذب قضایا پرداخته است. وی ابزار شناخت را شامل حس، تمثیل، استقراء، تجربه، عقل، قلب و الهام می‌داند.

جوادی آملی (۱۳۸۷) در کتاب خود «معرفت‌شناسی در قرآن» در قالب چهارده فصل به بررسی موضوعاتی همچون: ارکان و مبانی معرفت، معیار معرفت، معرفت شهودی و معرفت مفهومی، معرفت عقلی و میزان منطقی، مصدرها، اصل‌های موضوعی و معرفت‌های مبتنی بر فرض، ثبات

قضایای یقینی و دگرگونی تاریخی علم، طرح مسئله معرفت در آیات قرآن، طرح دعای منکران معرفت در قرآن، معرفت و ایمان، ابزارها و راه‌های معرفت، تقسیم در متعلق معرفت، دگرگونی و اعتلای معرفت پرداخته است. ایشان ابزارهای معرفت را شامل حواس پنج‌گانه ادراکی، قوه خیال، قوه عاقله، قوه واهمه، قوه متخیله یا متصرفه، قلب، و راه‌های معرفت را شامل حس، عقل، تهذیب و تزکیه، کتاب منیر و راه وحی معرفی می‌کند. لازم به ذکر است این کتاب سیزدهمین جلد از «تفسیر موضوعی قرآن کریم» است که توسط آیت‌الله عبدالله جوادی آملی تدوین شده است.

مکارم شیرازی (۱۳۸۶) در کتاب «پیام قرآن» منابع و طرق معرفت را شامل حس و تجربه، عقل و تحلیل‌های منطقی، تاریخ مدون و غیرمدون، فطرت و وجدان، وحی و پیام‌های الهی و کشف و شهود برمی‌شمارد.

محمدی‌ری‌شهری (۱۳۸۸) در کتاب «مبانی شناخت» حس، عقل و قلب، را هم راه و هم ابزار شناخت معرفی می‌نماید (ص ۱۶۱).

رستمی‌نسب دولت‌آباد (۱۳۹۴) در کتاب «شناخت‌شناسی از نگاه امام صادق (ع) با تأکید بر دلالت‌های تربیتی آن» «آیات آفاقی و انفسی، تاریخ، وحی، رؤیاهای صادق، و مکاشفه» را به‌عنوان منابع شناخت و «حواس، عقل و قلب» را به‌عنوان ابزار شناخت و موانع شناخت را شامل «عجب، خشم، غضب، تعصب، استبداد یا خودرأیی، پرخوری، شرب خمر، ظلم، گناه، اسراف و زیاده‌روی» معرفی می‌کند و دلالت‌های تربیتی را در قالب «مفهوم تربیت، هدف غایی تربیت، مبانی تربیت، اصول و روش‌های تربیت» ارائه می‌نماید.

مقاله‌ها

رمضانی (۱۳۸۱) در مقاله «معرفت‌شناسی عرفانی» «قلب و دل» را ابزار معرفت شهودی و عرفانی به‌شمار می‌آورد و رهیافت و دستیابی به این نوع معرفت با ابزارهایی مانند تقوا، مجاهده، اخلاص، ایمان، عمل صالح و عمل به علم معرفی می‌کند و درنهایت، عوامل انسداد معرفت شهودی و عرفانی را شامل حجاب کفر و شرک و نفاق، حجاب عناد، حجاب عقاید، اخلاق و اعمال و هواها و تمایلات نفسانی می‌داند.

جلالی (۱۳۸۷) در مقاله «امام علی (ع) و راهکارهای اصلاح معرفت»، منابع معرفت را شامل خردورزی، تجربه، دل، دین، طبیعت، تاریخ و سنت معرفی نموده و موانع معرفت را به دو گروه: موانع روان‌شناختی شامل «هواپرستی، خودرأیی، کوردلی، سطحی‌نگری، دنیاداری و خرافی بودن»

و موانع جامعه‌شناختی را شامل «بدعت، فتنه و عصیبت» تقسیم کرده است. عزیزی (۱۳۸۷) در مقاله «درآمدی بر معرفت‌پژوهی در نهج‌البلاغه»، به تعریف واژه شناخت از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته است. وی مهم‌ترین زمینه‌ها و مبانی شناخت در نهج‌البلاغه را تقوا و خویش‌داری، آموزه‌های وحیانی و ایمان ذکر می‌کند. همچنین ابزارهای شناخت را شامل «حس، عقل، قلب و وحی» و موانع معرفت را شامل «دنیاپرستی و هواپرستی، عشق مجازی (شهوت)، آرزوهای بلند، تقلید کورکورانه، مزاح و شوخی افراطی، گناه، عجب و خودپسندی، فتنه، آز و طمع، فقر و تنگدستی، وسوسه، کار تحمیلی، نزاع و کشمکش، خشنودی و خشم، لجاجت، به‌کارنبستن علم، تکبر، تعصب و عصیبت، غفلت، یکجانبه‌نگری، سُستی و تبلی و شبهه» معرفی می‌کند.

ابراهیمی و علوی (۱۳۹۵) در مقاله «شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن»، به بررسی منابع شناخت، شامل «آیات آفاقی و انفسی، تاریخ و مکاشفه»؛ ابزار شناخت شامل «حواس و قلب»؛ موانع شناخت، شامل «عدم‌حمایت از جبهه حق، دنیاپرستی و گناه» و دلالت‌های تربیتی شامل «روش‌های تربیت و محتوای آموزشی» پرداخته‌اند.

جدول ۱. منابع و ابزار معرفت از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف

صاحب‌نظران	آیات	انفسی	استغناء	تنبیل	تنبیل	تزیید	الهام	کشف و شهود	فطرت	فیه بیان	تاریخ	تجربین	و	و	و	و	و
جوادی آملی	-	-	-	*	*	-	-	-	-	+	-	-	*	-	+	*	*
مطهری	-	-	-	-	+	-	-	-	-	-	*	*	-	-	*	*	+
مکارم شیرازی	-	-	-	-	-	-	*	*	-	*	-	*	+	-	*	*	*
سبحانی	-	+	+	-	-	+	-	-	-	-	-	-	+	+	+	+	+
محمدی ری‌شهری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	*	*	*	*
جلالی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	*	*	-	*	*	*	*	-
عزیزی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	-	+	+	+	+
ابراهیمی و علوی	*	-	-	-	-	-	*	-	-	*	*	-	-	+	-	+	+

نماد متبع (*): نماد ابزار (+)

روش پژوهش

در یک طبقه‌بندی کلی، این پژوهش، نوعی تحقیق بنیادی و از نوع پژوهش‌های کیفی است. روش تحقیق انتخابی برای این پژوهش، روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یکی از روش‌های پژوهش کیفی، متکی بر مبانی معرفت‌شناختی تفسیری است که دارای طرح‌های مختلفی شامل طرح‌های نظام‌مند، پدیدارشنونده و سازه‌گرایانه است. طرح مورد استفاده در این پژوهش، طرح نظام‌مند است. این طرح که در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به کار گرفته می‌شود، حاصل رویکرد اشتراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸ و ۲۰۰۸) است. در این طرح تأکید بر تحلیل داده‌ها به صورت گام‌به‌گام شامل سه مرحله کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری گزینشی (انتخابی)^۴ است. مواد و محتوای این تحقیق شامل کتاب‌های ارزشمند نهج‌البلاغه و غررالحکم و سایر منابع روایی شیعه بود. برای گردآوری داده‌های تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و برای دستیابی به هدف کلی این پژوهش هشت سؤال به شرح زیر مطرح شد:

- سؤال ۱. عوامل علی و میانجی معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۲. مراتب (سطوح) معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۳. منابع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۴. ابزار معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۵. راهبردهای کسب معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۶. موانع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۷. پیامدهای معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟
- سؤال ۸. دلالت‌های تربیتی مبتنی بر معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این تحقیق در دو قسمت شامل داده‌های مرتبط با معرفت از دیدگاه امام علی (ع) و داده‌های مرتبط با دلالت‌های تربیتی مبتنی بر معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع)

1. Straus, Corbin
2. open coding
3. axial coding
4. Selective Coding

صورت گرفته است.

تحلیل داده‌های مرتبط با معرفت از دیدگاه امام علی (ع)

در این مرحله داده‌های استخراج شده از نهج البلاغه و حکمت‌های کتاب غررالحکم و دررالکلم و سایر منابع روایی در قالب سه دسته «کدهای باز»، «کدهای محوری» و «کد گزینشی» کدگذاری، سازماندهی و طبقه‌بندی شدند.

کدگذاری باز: به فرایند تحلیلی تبدیل داده‌ها، به مفاهیم و سپس تبدیل آنها به مقوله‌ها اشاره

دارد.

جدول ۲. کدگذاری باز

ردیف	متن	مقوله
۱	تُجَلَىٰ بِالنُّزُلِ أَبْصَارُهُمْ، وَ يُرْمَىٰ بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَ يُعْبَقُونَ كَأَسِّ الْجَحْمَةِ بَعْدَ الصُّبْحِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰): دیده‌هایشان به نور قرآن جلا گیرد و حقیقت آیات در گوش‌هایشان طنین افکند و شبانگاه از جام حکمت نوشند، پس از آنکه در صبحگاهان آشامیده باشند.	هدایت الهی
۲	مَنْ عَرَسَ أَشْجَارَ التَّقَىٰ جَنَى ثَمَارِ الْهُدَى (بحارالانوار، ج ۷۸: ۹۰؛ کنزالفوائد، ج ۱: ۲۷۹): آن‌که نهال‌های تقوا کاشت، میوه‌های هدایت چید.	هدایت الهی
۳	هُدَىٰ مَنْ ادَّرَعَ لِبَاسَ الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ (غررالحکم، ح ۱۰۰۱۳): هدایت شد آن‌که زره صبر و یقین پوشید.	هدایت الهی
۴	هُدَىٰ مَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَىٰ قَلْبَهُ (غررالحکم، ح ۱۰۰۱۱): هدایت شد آن‌که تقوا را شعار دل خویش ساخت.	تقوی
۵	مَنْ عَرَفَ كَفَّ (غررالحکم: ۶۳، ح ۷۶۴): هر که به معرفت دست یابد، خویش‌دار شود.	تقوی
۶	فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِنْ أَيْقُنٍ فَأَحْسِنُوا، وَ عَثِرُوا فَاعْتَبِرُوا، وَ حَذَرُوا فَازْدَجَرُوا، وَ بُصِّرُوا فَاسْتَبْصِرُوا، وَ خَافُوا الْعِقَابَ، وَ عَمِلُوا لِيَوْمِ الْحِسَابِ (غررالحکم، ح ۶۵۹۸): از خدا پروا کنید، همچون پروا کردن کسی که یقین کرد و نیکی به‌جا آورد، پند داده شد و پند گرفت، بر حذر داشته شد و [از گناه] بازایستاد، بینایش کردند و بینا شد و از کیفر ترسید و برای روز حساب، کار کرد.	تقوی
۷	وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُعْشَىٰ وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ الْمُخَلِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بَرِيادَةٌ أَوْ نُفْصَانٌ زِيَادَةٌ فِي هُدَىٰ أَوْ نُفْصَانٌ مِنْ عَمَىٰ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَىٰ أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَ لَا يَأْخِذُ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ عُنَىٰ فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَابِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَىٰ لَأْوَابِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْثَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْعَيْءُ وَ الضَّلَالُ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶): آگاه باشید همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. کسی یا قرآن همنشین نشد مگر آنکه بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست.	قرآن
۸	إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْفَةِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَ تَنْفَعُ بِهِ بَعْدَ الْمَعَانِدَةِ. وَ مَا بَرَحَ لِلَّهِ عَزَّتْ أَلَاؤُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْمَانِ الْفِتْرَاتِ عِبَادًا نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلِمَتِهِمْ فِي ذَاتِ عَقُولِهِمْ، فَاسْتَصْبِحُوا بِنُورِ يَقْظَتِهِ فِي [الْإِسْمَاعِ وَ الْأَبْصَارِ] الْأَسْمَاعِ وَ الْأُفُودَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲): خداوند سبحان، یاد خود را روشنی دل‌ها ساخت که به پرتو آن شنوا شوند، هرچند، زان پیش ناشنوا بوده‌اند، و بینا گردند هرچند، زان پیش نابینا بوده‌اند و آرامش یابند، هرچند زان پیش سستی‌زده‌جو بوده‌اند. همواره در پاره‌ای از زمان و در روزگاری که پیامبری نبوده، خداوند فراخ بخشایش و نعمت را، بندگان است، با آنها از راه فکریشان (به الهام) راز گوید و از طریق عقولشان به هدایت و راهنمایی سخن گوید و آنان به نور بیداری که در گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان می‌افکند چراغ هدایت را روشن می‌دارند.	ذکر و یاد خدا، قلب الهام (دل)، هدایت عقل،

ادامه جدول ۲. کدگذاری باز

ردیف	متن	مقوله
۹	فَانظُرْ أَتِيهَا السَّائِلُ فَمَا دَلَّكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَأَنْتُمْ بِهِ وَاسْتَضِيءَ بِنُورِ هِدَايَتِهِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱): پس ای کسی که پرسیده‌ای! و از صفاتی که قرآن به تو می‌نماید پیروی کن، و از نور هدایت قرآن روشنائی بگیر.	قرآن
۱۰	ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ... فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ يُجَبِّوْحَتُهُ، وَ يَنْبِيعُ الْعِلْمِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸): سپس قرآن را بر او نازل کرد... قرآن معدن ایمان و متن آن، چشمه‌های دانش است.	قرآن
۱۱	وَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيهِ لَمَّا يُعْطِ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ، فَأَيُّ حَيْثُ خَلِقَ اللَّهُ الْمَتِينُ وَ سَبِيَّهُ الْأَمِينُ، وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ وَ يَنْبِيعُ الْعِلْمِ، وَ مَا لِلْقَلْبِ جَلَاءٌ غَيْرُهُ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶): خداوند احدی را به‌مانند این قرآن پند نداده، که قرآن رشته متین خدا و وسیله امین اوست، در آن بهار دل و چشمه‌های دانش است، دل را به غیر آن مایه جلا نیست.	قرآن
۱۲	حَتَّىٰ أَوْزَى قَبَسًا لِقَابِسِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۶): تا آنکه پیامبر شعله‌ای برای خواهان روشنائی برافروخت.	پیامبر
۱۳	هُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَ مَوْتُ الْجَهْلِ. يُخْبِرُكُمْ جِلْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، وَ صَمْتُهُمْ عَنْ حِكْمِ مَنْطِقِهِمْ. لَا يُخَالِفُونَ الْحَقَّ وَ لَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۹): اینان (خاندان پیامبر) حیات دانش، و مرگ جهلند، بردباری آنان از دانششان، و آشکارشان از نهانشان، و سکوتشان از حکمت گفتارشان شمارا خبر می‌دهد. با حق مخالفت نمی‌ورزند و در آن اختلاف نمی‌نمایند.	اهل بیت
۱۴	كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ عَيْتِكَ مِنْ رُشْدِكَ (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۱): از خرد آن اندازه تو را کافی است که راه‌های گمراهی‌ات را از رستگاری برایت نمایان سازد.	عقل
۱۵	مَنْ عَقَلَ فِهِمْ (غررالحکم: ۵۳، ح ۴۴۷): آن‌که خردمند شود، می‌فهمد.	عقل
۱۶	لَقَدْ عَلِقَ بِنَبَاتِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةً هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَ ذَلِكَ الْقَلْبُ وَ ذَلِكَ أَنْ لَهُ مَوَادٌّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَضْدَادُهَا مِنْ خِلَافِهَا (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۸): بر رگ انسان تکه گوشتی آویخته شده که شگفت‌ترین عضو وجود اوست و آن قلب است، چون در آن مایه‌هایی از حکمت و اضدادی خلاف آن است.	قلب (دل)
۱۷	لَيْسَتْ أَدْوَاهُهُمْ وَيِنَاقَ فِطْرَتِهِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱): تا رسولان وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند.	فطرت
۱۸	وَ مِنْ لَطَائِفِ صُنْعَتِهِ وَ عَجَائِبِ خَلْقَتِهِ مَا أَرَانَا مِنْ غَوَامِضِ الْحِكْمَةِ فِي هَذِهِ الْخَفَائِشِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۵)، از لطایف آفرینش و شگفتی‌های حکمت الهی اسرار پیچیده و حکیمانه‌ای است که در خفاش به ما نشان داد.	آیات آفاقی (طبیعت)
۱۹	وَ مِنْ أَعْجَبِهَا خَلْقًا الطَّوَسُ الَّذِي أَقَامَهُ فِي أَحْكَمِ تَعَادُلٍ وَ نَصَدَّ الْوَأْنَةَ فِي أَحْسَنِ تَنْضِيدٍ بِجَنَاحِ أُشْرَجِ قَصْبَتِهِ وَ ذَنَبِ أَطَالٍ مُشْحَبَةٍ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۵): از شگفت‌ترین این پرندگان در آفرینش طاووس است که خداوند آن را در استوارترین شکل بیافرید. و رنگ‌هایش را در نیکوترین وجه بیاراست، با پرهایی که قلم‌های آن را به هم پیوست، و دمی کشیده است.	آیات آفاقی (طبیعت)
۲۰	أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ [الْمَرْوِي] نَفْسَهُ فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقَلَ وَ مَنْ جَهَلَهَا ضَلَّ (غررالحکم: ۵۲، ح ۳۷۳): برترین خردمندی، خودشناسی است. هرکه خویشتن را بشناسد، خردمند می‌گردد و هر که خود را نشناسد، گمراه می‌شود.	آیات انفسی (انسان)
۲۱	غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ الْمَرءُ نَفْسَهُ (غررالحکم: ۲۳۲، ح ۴۶۳۳): غایت معرفت، این است که آدمی خود را بشناسد.	آیات انفسی (انسان)
۲۲	مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ مَعْرِفَةٍ وَ عِلْمٍ (غررالحکم، ح ۸۹۴۹): آن‌که خود را بشناسد، به بالاترین قله دانش و معرفت، رسیده است.	آیات انفسی (انسان)
۲۳	نَاطِرٌ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمْدَةً وَ يَعْرِفُ عَوْرَةَ وَ نَجْدَهُ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴): خردمند با چشم دل، پایان کار خویش را می‌بیند و نشیب و فراز آن را می‌شناسد.	عقل، قلب (دل)

ادامه جدول ۲. کدگذاری باز

ردیف	متن	مقوله
۲۴	ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْبًا حَافِظًا وَ لِسَانًا لَافِظًا وَ بَصَرًا لَاحِظًا لِيُنْفِخَهُمْ مُنْتَبِرًا (نهج البلاغه، خطبه ۸۳): خداوند به او دلی حفظ‌کننده و زبانی گویا و چشمی بینا عطا کرد، تا بفهمد و عبرت گیرد.	قلب (دل)، حسن
۲۵	أَحْيَيْكَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مُعَايَنَتِهِ لَا كَمَا يُحْيِي عَلَى ضَعِيفِ إِسْنَادِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵): در این بیان تو را به مشاهده عینی حواله می‌کنم، نه مانند کسی که به سند ضعیف ارجاع می‌دهد.	حسن
۲۶	فَأَبْنَا الْبَصِيرَ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ اتَّفَعَ بِالْعَبْرِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳): بینا کسی است که بشنود و بیندیشد، بنگرد و ببیند، از عبرت‌ها پند گیرد.	حسن
۲۷	مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلْبِيبٍ وَ لَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بَسْمِيعٍ وَ لَا كُلُّ نَاطِرٍ بَبَصِيرٍ (نهج البلاغه، خطبه ۸۸): نه هر که دلی دارد، خردمند باشد و نه هر که گوشی دارد شنوا باشد و نه هر که چشمی دارد، بینا باشد.	حسن
۲۸	فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَّمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَ التَّجْرِبَةِ (نهج البلاغه، نامه ۷۸): شقاوتمند کسی است که از سود خرد و تجربه‌ای که به او داده شده محروم گردد.	تجربه، خردورزی (تعقل / تفکر)
۲۹	الْعَقْلُ غَرِيْبَةٌ تَزِيْدُ [يَزِيْدُ] بِالْعِلْمِ بِالتَّجَارِبِ (غررالحکم: ۵۳، ح ۴۴۳): عقل غریزه‌ای است که با دانش و تجارب افزایش می‌یابد.	تجربه، خردورزی (تعقل / تفکر)
۳۰	العقلُ عقلان: عقل الطبع و عقل التجربة و كلاهما يؤدي إلى المنفعة (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶) عقل دو گونه است: عقل سرشتی و عقل تجربی. و هر دو به سود می‌انجامد.	تجربه
۳۱	لولا التجارب عويت المذاهب و في التجارب علم مستأنف (بحارالانوار، ج ۶۸: ۳۴۲): اگر تجربه‌ها نبود، راه‌ها پوشیده می‌ماند و در تجربه (کردن) هاست که دانش جدید به دست می‌آید.	تجربه
۳۲	كل معرفة تحتاج إلى التجارب. (محمدری شهری و برنجکار، ۱۳۸۶: ۹۳/۹۴ امالی مفید، ج ۲: ۴۵۶، ح ۱۷۷۵): هر معرفتی به تجربه نیاز دارد.	تجربه
۳۳	قد أحيأ عقلة و أمات نفسه حتى دق جليله و لطف غليظه و برق له لامع كثير البرق فأتان له الطريق و سلك به السبيل (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰): عارف کسی است که عقلش را زنده و نفسش را میراند، تا آنجاکه بزرگی‌اش خرد و خشونتش نرم شد، آنگاه برقی بر قلبش تابید و راهش را روشن کرد.	ترکیه نفس کشف و شهود
۳۴	وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رُبَيْعُ الْقُلُوبِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰): قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است و در ژرفایش بیندیشید که قلب‌ها را بهاران است.	تدبر در قرآن
۳۵	فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ تَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ، وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ، وَ اتَّعَظُوا بِمَثَاوِي خُدُودِهِمْ، وَ مَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲): از آنچه به گردنکشان پیش از شما از عذاب خدا و دشواری‌ها و حوادث و کیفرهای او رسید عبرت گیرید و از خاک تیره‌ای که صورتشان بر آن نهاده شده و زمینی که پهلویشان بر آن افتاده، پند پذیرید.	تاریخ، عبرت‌گیری
۳۶	أَيُّ نَبِيٍّ إِيَّيْ وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عَمَّرْتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَحْتِبَارِهِمْ وَ سَبَرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عَلِمْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيْ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عَمَّرْتُ مَعَ أَوْلِيائِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ (نهج البلاغه، نامه ۳۱): پسر من اگرچه من به اندازه همه کسانی که پیش از من بوده‌اند، عمر نکرده‌ام ولی در کارهایشان نگریستم و در خبرهایشان اندیشیدم، و در آثارشان گذر کردم، تا آنجاکه گویی خود یکی از آنان شدم، بلکه به سبب آنچه از اخبار آنان به من رسیده، گویی از آغاز تا انجام با آنان زیسته‌ام و کارهای زلال و شفاف را از تیره و کدر و اعمال سودمند را از زیانبار بازشناختم.	تاریخ

ادامه جدول ۲. کدگذاری باز

ردیف	متن	مقوله
۳۷	صَدَقْتُ بِمَا سَلَفَ مِنَ الْحَقِّ وَ اغْتَبِرُ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹): به آنچه که از حق گذشته است تصدیق کن، از گذشته جهان برای باقیمانده آن پند گیر.	تاریخ، عبرت‌گیری
۳۸	وَ اغْرِضْ عَلَيْهِ اَخْبَارَ الْمَاضِيْنَ، وَ ذَكِّرْهُ بِمَا اَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ، وَ سِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَ اَنَارِهِمْ، فَانظُرْ فِيْهَا فَعَلُوا، وَ عَمَّا اَنْتَقَلُوا، وَ اَيْنَ حَلُّوْا وَ نَزَلُوْا، فَاِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدِ اَنْتَقَلُوا عَنِ الْاَجِيْبَةِ (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱): اخبار گذشتگان را به او ارائه کن، آنچه را بر سر پیشینیان آمد به یادش آور، در شهرهای آنان و میان آثارشان سیاحت کن، در آنچه انجام دادند و اینکه از کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند و منزل کردند، دقت کن.	تاریخ، سیر در آیات آفاقی و انفسی
۳۹	اَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْاِنْسَانِ نَفْسَهُ (غررالحکم، ح ۳۱۰۵): برترین حکمت، خودشناسی انسان است.	سیر آیات انفسی (خودشناسی)
۴۰	مَعْرِفَةُ النَّفْسِ اَنْفَعُ الْمَعَارِفِ (غررالحکم، ح ۹۸۶۵): خودشناسی، سودمندترین شناخت‌هاست.	سیر آیات انفسی (خودشناسی)
۴۱	وَ الْبَقِيْنَ مِنْهَا عَلٰى اَرْبَعِ شُعَبٍ عَلٰى تَبَصُّرَةِ الْبُقْعَةِ وَ تَاوُلِ الْحِكْمَةِ وَ مَوْعِظَةِ الْعِبْرَةِ وَ سَنَةِ (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱): یقین چهار شاخه دارد: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پندگرفتن از حوادث روزگار، و تاسی به سیره پیشینیان.	کسب بصیرت، حکمت، تاسی به سیره اهل‌بیت، عبرت‌گیری
۴۲	كَمْ مِنْ عَقْلٍ اُسْبِرَ تَحْتَ هَوٰى اَمِيْرٍ (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱): چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است.	پیروی از هوای نفس
۴۳	شَهَدَ عَلٰى ذٰلِكَ الْعَقْلُ اِذَا خَرَجَ مِنْ اَسْرِ الْهَوٰى وَ سَلِمَ مِنْ عِلَائِقِ الدُّنْيَا (نهج‌البلاغه، نامه ۳): به این واقعیت‌ها عقل گواهی می‌دهد هرگاه که از اسارت هوای نفس نجات یافته و از دنیاپرستی به سلامت بگذرد.	پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی
۴۴	بَا مَعَاوِيَةَ لَيْنَ نَظَرْتُ بِعَيْنِكَ ذُوْنَ هَوَاكِ لِتَجِدَنِيْ اَثِيْرًا النَّاسِ مِنْ دَمِ عُثْمَانَ وَ لَتَعْلَمَنَّ اَنِّيْ كُنْتُ فِيْ غَزْوَةٍ عَنْهُ اِلَّا اَنْ تَنْجِنِيْ فَتَجِنَّ مَا بَدَا لَكَ وَ السَّلَامُ (نهج‌البلاغه، نامه ۶): ای معاویه اگر دور از هوای نفس، به دیده عقل بنگری، خواهی دید که من نسبت به خون عثمان پاک‌ترین افرادم و می‌دانی که من از آن ماجرا دور بوده‌ام، جزاینکه از راه خیانت مرا متهم کنی و حق آشکاری را بپوشانی. با درود.	پیروی از هوای نفس
۴۵	مَنْ عَشِقَ شَيْئًا اَعَشَى بَصْرَةَ وَ اَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنِ غَيْرِ صٰحِيْحَةٍ وَ يَسْمَعُ بِاَذْنِ غَيْرِ سَمِيْعَةٍ قَدْ خَرَقَتْ الشَّهْوَاتُ عَقْلَهُ وَ اَمَاتَتْ الدُّنْيَا قَلْبَهُ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۹): هرکه عاشق چیزی شود، دیده‌اش را نابینا، و دلش را بیمار می‌سازد، پس با چشمی معیوب می‌نگرد و با گوشی ناشنوا می‌شنود. شهوت‌ها خردش را دریده، دنیا دلش را میرانده است.	محبت غیر خدا شهوت‌پرستی دنیاپرستی
۴۶	وَ اَعْلَمُوْا اَنَّ الْاَمَلَ يَسْتَهِي الْعَقْلَ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶): بدانید که آرزو عقل را به خطا می‌اندازد و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد.	آرزوهای طولانی
۴۷	وَ لَا تُطِيْعُوا الْاَدْعِيَاءَ الَّذِيْنَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوَتِكُمْ كَذَرْتَهُمْ وَ خَلَطْتُمْ بِصِحْحِكُمْ مَرَضَهُمْ وَ اَدْحَلْتُمْ فِيْ حَقِّكُمْ باطِلَهُمْ وَ هُمْ اَسَاسُ الْفُسُوْقِ وَ اَحْلَاسُ الْعُقُوْقِ اَتَّخَذَهُمْ اِيْلِيْسَ مَطَايَا ضَلَالٍ وَ جُنْدًا يَبِيْهُمُ يَصُوْلُ عَلٰى النَّاسِ وَ تَرَاجِمَةً يُنْطِقُ عَلٰى اَلْسِنَتِهِمْ اسْتِزْاَفًا لِعُقُوْلِكُمْ وَ دَخُوْلًا فِيْ عُيُوْنِكُمْ وَ نَفْثًا فِيْ اَسْمَاعِكُمْ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲): از فرومایگان اطاعت نکنید، آنان که تیرگی‌شان را با صفای خود نوشیدید و بیماری‌شان را با سلامت خود درهم‌آمیخته‌اید و باطل آنان را با حق خویش مخلوط کرده‌اید، درحالی‌که آنان ریشه همه فسق‌ها و انحرافات و همراه انواع گناهانند. شیطان آنها را برای گمراه کردن مردم، مرکب‌های رام قرارداد و از آنان لشکری برای هجوم به مردم ساخت و برای دزدیدن عقل‌های شما آنان را سخنگوی خود برگزید.	اطاعت از فاسقان و هم‌نشینی با آنان

ادامه جدول ۲. کدگذاری باز

ردیف	متن	مقوله
۴۸	مَا مَزَّحَ امْرُؤٌ مَزَّحَةً إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۰): کسی به مزاح نپرداخت جز آن که اندکی از عقل خویش را بیرون انداخت.	مزاح و شوخی بیجا و بیش از حد
۴۹	وَ اعْلَمُ أَنَّ الْإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَ أَقْوَى الْأَلْبَابِ فَاسْتَعِ فِي كَذِبِكَ (نهج البلاغه، نامه ۳۱): بدان که خودپسندی خلاف راه صواب و آفت خرد آدمی است.	عجب و خودپسندی
۵۰	أَنْ تَشْعَرَ بِرَجُلَيْهَا فَنَنْتَهَاطَ فِي خَطَايَاهَا وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹): فتنه همچون شتر بی صاحب گام برمی دارد، و مهار خود را پایمال می کند و عقل های خردمندان را می برد.	فتنه
۵۱	يَكَادُ أَفْضَلُهُمْ رَأْيًا يَرُدُّهُ عَنْ فَضْلِ رَأْيِهِ الرُّضَى وَ السُّخْطُ (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۳): خوش فکرت ترین ایشان را خشنودی یا خشم از رأی نیکویش بازمی گرداند.	عجب و خودپسندی، خشم و غضب
۵۲	يُقْتَلُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ إِمَامٌ يَفْتَحُ عَلَيْهَا الْقَتْلَ وَ الْقِتَالَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ يَلْبَسُ أَمُورَهَا عَلَيْهَا وَ يَبُتُّ الْفِتْنََ فِيهَا فَلَا يُنْصَرُونَ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴): در این امت پیشوایی کشته می شود و به سبب کشته شدن او در جنگ و کشتار تا روز قیامت به روی مردم گشوده شده، امور بر آنان مشتبه گشته، فتنه ها در میان شان رواج یابد. در آن هنگام مردم حق را از باطل جدا نکنند.	فتنه
۵۳	أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹): بیشترین قربانگاه خردها آنجاست که برق های طمع می تابد.	طمع
۵۴	يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ خُذُوا زِينَتَكُمْ لِيُذَكَّرَ اللَّهُ مِنْكُمْ فَإِنَّ الْقَفْرَ مَنُفَّصَةٌ لِلدِّينِ مَدْعَشَةٌ لِلْعُغْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹): پسرم من از تهیدستی بر تو می ترسم. از آن به خدا پناه آور، زیرا تهیدستی مایه نقصان دین و سرگردانی خرد است و دشمنی پدید می آورد.	فقر
۵۵	هُوَ الْقَادِرُ الَّذِي إِذَا ارْتَمَتْ الْأَوْهَامُ لِنُدْرِكَ مُنْقَطِعِ قُدْرَتِهِ وَ حَاوَلِ الْفِكْرَ الْمُبْتَرِّ مِنْ خَطَرَاتِ الْوَسْوَاسِ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهِ فِي عَمِيقاتِ غُيُوبِ مَلَكُوتِهِ وَ تَوَلَّهَتْ الْقُلُوبُ إِلَيْهِ لِنَجْرِي فِي كَيْفِيَّةِ صِفَاتِهِ وَ عَمَّصَتْ مَدَاخِلَ الْعُقُولِ فِي حَيْثُ لَا تَبْلُغُهُ الصَّفَاتُ لِتَنَائُلِ عِلْمِ ذَاتِهِ رَدْعَهَا وَ هِيَ تَجُوبُ مَهَاوِي سُدْفِ الْعُيُوبِ (نهج البلاغه، خطبه ۹۱): او خدای توانایی است که هرگاه اندیشه ها برای درک نهایت قدرتش اوج گیرند و افکار میرا از وسوسه های شیطانی بکوشند ژرفای غیوب ملکوتش را دریابند، و دل ها برای رسیدن به چگونگی صفاتش شیفته گردند و باریک اندیشی عقل ها بخواهد در جایی که صفات به آن نمی رسد، ذات خدا را بشناساند، همه را می راند و بازمی گرداند، چون می خواهند راه های پرخطر و تاریک غیب را بپویند.	وسوسه های شیطانی
۵۶	مَنْ كَثُرَ نَزَاغُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاءُ عَنِ الْحَقِّ (نهج البلاغه، حکمت ۳۱): کسی که از روی نادانی به نزاع و کشمکش با مردم پرداخت کوریش از دیدن حق دوام یابد.	جدل (لجاجت و ستیزه جویی)
۵۷	الْمَجَاجَةُ تُسَلُّ الرِّأْيَ (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۹): لجاجت و ستیزه جویی تدبیر را تباه می کند.	جدل (لجاجت و ستیزه جویی)
۵۸	بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْمَوْعِظَةِ جِجَابٌ مِنَ الْغُرَّةِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۲): میان شما و پذیرش موعظه پرده ای از غرور وجود دارد.	غرور
۵۹	الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶): علم با عمل همراه است. پس هرکس دانست عمل کرد، علم، عمل را فرامی خواند، پس اگر آن را پاسخش گوید، می ماند وگرنه کوچ می کند.	به کار نیستن علم

ادامه جدول ۲. کدگذاری باز

ردیف	متن	مقوله
۶۰	مَا عَلِمَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِعَلَمِهِ (غررالحکم: ۱۵۳، ح ۲۸۲۹): برای کسی که به علمش عمل نمی‌کند، علمی نیست.	به‌کارنیستن علم
۶۱	يَا حَارِثُ إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتِكَ وَ لَمْ تُنْظَرْ فَوْقَكَ فَمَجْرَتُ إِنَّكَ لَمْ تُعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفْ مَنْ آتَاهُ وَ لَمْ تُعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفْ مَنْ آتَاهُ (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۶۲): ای حارث تو زیر پایت را نگرستی و بالای سرت را ندیدی، و از این رو سرگشته شدی، تو حق را نشناختی تا اهل حق را بشناسی و باطل را نشناختی تا باطل‌گرایان را بشناسی.	کوتاه‌بینی
۶۲	وَ إِنَّمَا سَمِعْتِ الشُّبُهَةَ شُبُهَةً يَأْتِيهَا تَشْبُهَةُ الْحَقِّ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضَيَّأُوهُمْ فِيهَا الْيَقِينَ (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۸)، شبهه را از این رو شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد، اما اولیای خدا چراغشان در فضای شبهه‌ناک یقین است.	شبهه
۶۳	مَعْرِفَةُ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱): معرفت حق را از باطل جدا سازد.	تمیز حق از باطل
۶۴	مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۰): هر کس در بستر بمیرد درحالی‌که عارف به حق خدا و حق پیامبر و اهل بیت پیامبر است، شهید مرده است.	برخورداری از اجر شهید
۶۵	وَ سِئِلُ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۷): سؤال شد ایمان چیست؟ فرمود: ایمان بادل شناختن، با زبان اقرارکردن و با اعضا عمل کردن است.	کسب ایمان
۶۶	حَفِظَ الَّذِينَ نَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ (غررالحکم: ۸۵، ح ۱۳۸۲؛ عیون الحکم والمواعظ: ۲۳۱، ح ۴۴۱۷): ثمره معرفت حفظ دین است.	حفظ دین
۶۷	يَسِيرُ الْمَعْرِفَةُ يُوَجِبُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا (غررالحکم: ۶۳، ح ۷۶۵): اندکی معرفت، موجب بی‌رغبتی به دنیا است.	زهد
۶۸	ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ الْغُرُوفُ عَنِ دَارِ الْفَنَاءِ (غررالحکم: ۶۳، ح ۷۵۸): ثمره معرفت، دوری از سرای فانی است.	زهد
۶۹	الْمَعْرِفَةُ بُرْهَانُ الْفَضْلِ (غررالحکم: ۴۱، ح ۳): معرفت، دلیل فضیلت است.	کسب فضیلت
۷۰	الْمَعْرِفَةُ نُورُ الْقَلْبِ (غررالحکم: ۴۱، ح ۱؛ عیون الحکم والمواعظ: ۲۵، ح ۲۷۳): معرفت، روشنی دل است.	کسب بصیرت
۷۱	الْمَعْرِفَةُ الْقُوَّةُ بِالْقُدْسِ (غررالحکم: ۴۱، ح ۲): معرفت، رسیدن به عالم قدس است.	کسب معنویت
۷۲	حَسْبُ الْعَمْرِو مِنْ... عَرَفَانِهِ عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ (کشف‌الغممه، ج ۲: ۳۴۸): در معرفت آدمی، همین بس که آگاه به زمان خویش باشد.	آگاهی به زمان خویش
۷۳	لَيْسَ بِاللَّهِ مَنْ عَرَفَ بِنَفْسِهِ، هُوَ الدَّلَالُ بِالذَّلِيلِ عَلَيْهِ، وَالْمُؤَدَى بِالْمَعْرِفَةِ إِلَيْهِ (الاحتجاج، ج ۱ ص ۲۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۴: ۲۵۳، ح ۷): آن‌که به ذاتش شناخته شود، خدا نیست. او کسی است که با دلیل، به او ره برده می‌شود و به معرفت، می‌توان به او رسید.	خداشناسی
۷۴	مَنْ آتَى الصَّلَاةَ عَارِفاً يَحْفَظْهَا غُفِرَ لَهُ (الخصال، ج ۲: ۶۲۸): هر که نماز را با معرفت به حق آن به‌جای آورد، آمرزیده است.	آمرزش
۷۵	وَ لَمْ تَرْمِ الشُّكُوكَ بِنَوَازِعِهَا عَزِيمَةَ إِيمَانِهِمْ لَمْ تَغْتَرِكِ الظُّنُونُ عَلَيَّ مَعَاقِدِ يَقِينِهِمْ وَ لَا قَدَحَتْ قَادِحَتَهُ الْإِيْحَنُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ لَا سَلَبَتْهُمْ الْخَيْرَةَ مَا لَأَقَ مِنْ مَعْرِفَتِهِ بَضْمَائِرِهِمْ وَ مَا سَكَنَ مِنْ عَظَمَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ جَلَّالِيهِ فِي أَثْنَاءِ صُدُورِهِمْ وَ لَمْ تَطْمَعُ فِيهِمْ الْوَسَاوِسُ فَتَفْتَرِعَ بِرَبِّيْنَهَا عَلَيَّ فِكْرِهِمْ (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱): تیرهای شک و تردید خلل در ایمانشان ایجاد نکرد، و ظن و گمان در پایگاه یقین آنها راه نیافت، و آتش کینه در دل‌هایشان شعله‌ور نگردید، حیرت و سرگردانی آنها را از ایمانی که دارند و آنچه از هیبت و جلال خداوندی که در دل نهادند جدا نساخت و وسوسه‌ها در آنها راه نیافت، تا شک و تردید بر آنها تسلط یابد.	شک ظن یقین
۷۶	الْمُؤَقِنُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُؤْتَرُونَ مِنْ رِجَالِ الْأَعْرَافِ (غررالحکم: ۱۶۸، ح ۳۳۱۲): یقین‌داران و مخلصان و اینارگران از مردان اعراف هستند.	یقین، اخلاص، اینار

کدگذاری محوری

در این گام از کدگذاری، محقق به دنبال آن است تا برای پاسخ به سؤال‌های تحقیق پیوند بین کدهای حاصل از کدگذاری باز را از طریق تبیین کدهای محوری و تعیین و اختصاص کدهای باز به آنها مشخص نماید. در این مرحله، هریک از کدهای باز به دست آمده، صرفاً در قالب یک کد محوری طبقه‌بندی و سازماندهی شده و برای هریک از کدهای محوری نام مناسبی انتخاب می‌شود. برای نام‌گذاری کدهای محوری سعی بر این است که بر اساس مفاهیم مشترک و مشابهی که از کدهای باز ذیل هریک از کدهای محوری، نام مناسبی انتخاب شود که بیشترین ارتباط منطقی را با داده‌هایی که مقوله نمایانگر آن است، داشته باشد. در این مرحله ۵۳ کد ویرایش شده، در قالب هشت کد محوری شامل شرایط علی، شرایط مداخله‌گر (میانجی)، مراتب معرفت، منابع (سرچشمه‌های) معرفت، ابزار معرفت، موانع معرفت، پیامدهای معرفت و راهبردها طبقه‌بندی و سازماندهی شد.

سؤال شماره یک. عوامل علی و میانجی معرفت از دیدگاه امام علی(ع) کدامند؟

شرایط علی^۱ یا سبب‌ساز معمولاً به آن دسته از عوامل، رویدادها یا وقایعی اطلاق می‌شود که بر پدیده‌ها اثر گذاشته و موجب وقوع یا گسترش آن پدیده می‌شوند. با توجه به اینکه خداوند در آیه ۶۹ سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» «کسانی را که در راه ما مجاهدت کنند، به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم»؛ همچنین به استناد بخشی از خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه «تُجَلَّى بِاللَّنزِيلِ أَبْصَارُهُمْ، وَ يُرْمَى بِالتَّنْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَ يُعْبَثُونَ كَأَسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ» «هدایت الهی» به عنوان عامل علی کسب معرفت محسوب می‌شود.

شرایط مداخله‌گر (میانجی)^۲ به شرایط و یا عواملی اطلاق می‌شود که به همراه شرایط علی، موجب وقوع و یا گسترش پدیده یا مقوله مرکزی می‌شود. روایات بسیاری از جمله این کلام آقا امیرالمؤمنین علی(ع) «مَنْ غَرَسَ أَشْجَارَ التُّقَى جَنَى ثِمَارَ الْهُدَى» (بحار الانوار، ج ۷۸: ۹۰؛ کنز الفوائد، ج ۱، ۲۷۹): «آن که نهال‌های تقوا کاشت، میوه‌های هدایت چید» وجود دارد که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، «تقوا» را عامل کسب معرفت معرفی می‌نماید. همچنین با توجه به تعاریف ارائه شده، برای معرفت و احادیثی که «هدایت الهی» را منوط به برخورداری از «تقوا» دانسته و در

1. Causal Conditions
2. Intervening Conditions

مرحله کدگذاری باز (جدول شماره دو) منجر به تولید کد «تقوا» شد، می‌توان نتیجه گرفت که «تقوا» یکی از مهم‌ترین عوامل کسب معرفت است، لذا در این پژوهش، «تقوا» به‌عنوان متغیر مداخله‌گر (میانجی) در نظر گرفته شد.

سؤال شماره دو. مراتب (سطوح) معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

یافته‌های حاصل از کدگذاری احادیث (جدول شماره دو) در پاسخ به سؤال دوم و به استناد بخشی از خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه نشان داد که مراتب معرفت شامل یقین (بالاترین سطح معرفت) ظن (دومین مرتبه از معرفت) و شک (پایین‌ترین مرتبه از معرفت) است.

سؤال شماره سه. منابع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

یافته‌های حاصل از کدگذاری احادیث (جدول شماره دو) در پاسخ به سؤال سوم تحقیق نشان داد، به استناد بخشی از خطبه‌های ۱۷۶، ۲۲۲، ۹۱، ۱۹۸، ۱۷۶، ۱۰۶، ۲۳۹، ۱، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۵۴، ۸۳ و حکمت‌های ۴۲۱ و ۱۰۸ و نامه‌های ۳۱، ۶۹ نهج‌البلاغه و همچنین حدیث‌های ۴۴۷، ۳۷۳ و ۴۶۳۳ غررالحکم و درر الکلم و برمبنای آنچه در مبانی فلسفی تحقیق بیان شد، منبع معرفت، «مرکز و محل جوشش معرفت» است لذا منابع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) شامل وحی و الهام (اعم از قرآن، پیامبر و اهل‌بیت)، عقل، قلب (دل)، فطرت، آیات آفاقی (طبیعت)، آیات انفسی (انسان) و تاریخ است.

سؤال شماره چهار. ابزار معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

یافته‌های حاصل از کدگذاری احادیث (جدول شماره دو) در پاسخ به سؤال چهارم تحقیق نشان داد، به استناد بخشی از خطبه‌های ۸۳، ۱۶۵، ۱۵۳، ۸۸، ۲۲۰، ۱۱۰ و ۱۹۲ و نامه‌های ۷۸ و ۶۹ نهج‌البلاغه و همچنین حدیث ۴۴۳ غررالحکم و درر الکلم و برمبنای آنچه که در مبانی فلسفی تحقیق بیان شد، ابزار معرفت، «وسیله کسب معرفت» است لذا ابزار معرفت از دیدگاه امام علی (ع) شامل «تدبیر در قرآن، خردورزی (تعقل / تفکر)، حس، کشف و شهود، عبرت‌گیری و تأسی به سیره اهل‌بیت» است.

سؤال شماره پنج. راهبردهای توسعه معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

راهبردها در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، عبارت از راه‌های پیاده‌سازی و استقرار پدیده مرکزی است. در این پژوهش راهبردها (روش‌ها) دربرگیرنده راه‌های کسب معرفت است. یافته‌های حاصل از کدگذاری احادیث (جدول شماره دو) در پاسخ به سؤال پنجم تحقیق نشان داد،

به استناد بخشی از خطبه ۲۲۰، نامه‌های ۷۸ و ۳۱ نهج البلاغه و حدیث‌های ۴۴۳، ۳۱۰۵ و ۹۸۶۵ غررالحکم و دررالکلم، راهبردهای معرفت از دیدگاه امام علی (ع) شامل «اخلاص، ایثار، سیر در آیات آفاقی (طبیعت) و آیات انفسی (خودشناسی)، ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس و تجربه» است.

سؤال شماره شش. موانع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

یافته‌های حاصل از کدگذاری احادیث (جدول شماره دو) در پاسخ به سؤال ششم تحقیق نشان داد، به استناد بخشی از خطبه‌های ۱۰۹، ۸۶، ۱۹۲، ۱۶۴، ۱۸۹، ۹۱ و ۳۱ و نامه‌های ۳، ۶ و ۳۱ و حکمت‌های ۲۱۱، ۴۵۰، ۳۴۳، ۲۱۹، ۳۱۹، ۳۱، ۱۷۹، ۲۸۲، ۳۶۶ و ۲۶۲ موانع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) شامل «پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی، محبت غیر خدا، شهوت پرستی، آرزوهای طولانی، اطاعت از فاسقان و هم‌نشینی با آنان، مزاح و شوخی بیجا و بیش از حد، عجب و خودپسندی (خودشیفتگی)، فتنه، طمع، فقر، وسوسه‌های شیطانی، خشم و غضب، جدل (لجاجت و ستیزه‌جویی)، به کارنستن علم، غرور، کوتاه‌بینی و شبهه» است.

سؤال شماره هفت. پیامدهای معرفت از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟

پیامدها^۱ در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، عبارت از نتایجی است که به آنها مقوله‌های پیامدی اطلاق می‌شود. یافته‌های حاصل از کدگذاری احادیث در پاسخ به سؤال هشتم تحقیق نشان داد، به استناد بخشی از خطبه‌های ۱ و ۱۹۰ و حکمت‌های ۳۱ و ۲۲۷ نهج البلاغه و حدیث‌های ۱، ۲، ۳، ۷۶۵، ۷۵۸، ۱۳۸۲ و ۳۳۱۲ غررالحکم و دررالکلم، پیامدهای معرفت از دیدگاه امام علی (ع) شامل «تمیز حق از باطل، برخورداری از اجر شهید، کسب ایمان، حفظ دین، زهد، کسب فضیلت، کسب بصیرت، کسب معنویت، حکمت، آگاهی به زمان خویش، خداشناسی و آمرزش» است.

جدول ۳. کدگذاری محوری

ردیف	کد محوری	کدباز
۱	شرایط علی	هدایت الهی
۲	شرایط مداخله‌گر	تقوی
۳	مراتب معرفت	یقین، ظن، شک
۴	منابع معرفت	وحی و الهام (اعم از قرآن، پیامبر و اهل‌بیت)، عقل، قلب (دل)، فطرت، آیات آفاقی (طبیعت) آیات انفسی (انسان) و تاریخ
۵	ابزارهای معرفت	تدبیر در قرآن، خردورزی (تعقل/ تفکر)، حس، کشف و شهود، عبرت‌گیری و تأسی به سیره اهل‌بیت
۶	راهبردها	اخلاص، ایثار، سیر در آیات آفاقی (طبیعت) و آیات انفسی (خودشناسی)، ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس و تجربه
۷	پیامدهای معرفت	تمیز حق از باطل، برخورداری از اجر شهید، کسب ایمان، حفظ دین، زهد، کسب فضیلت، کسب بصیرت، کسب معنویت، حکمت، آگاهی به زمان خویش، خداشناسی و آموزش
۸	موانع معرفت	پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی، محبت غیرخدا، شهوت‌پرستی، آرزوهای طولانی، اطاعت از فاسقان و هم‌نشینی با آنان، مزاح و شوخی بیجا و بیش‌ازحد، عجب و خودپسندی (خودشیفتگی)، فتنه، طمع، فقر، وسوسه‌های شیطانی، خشم و غضب، جدل (لجاجت و ستیزه‌جویی)، به‌کارنستن علم، غرور، کوتاه‌بینی و شبیه

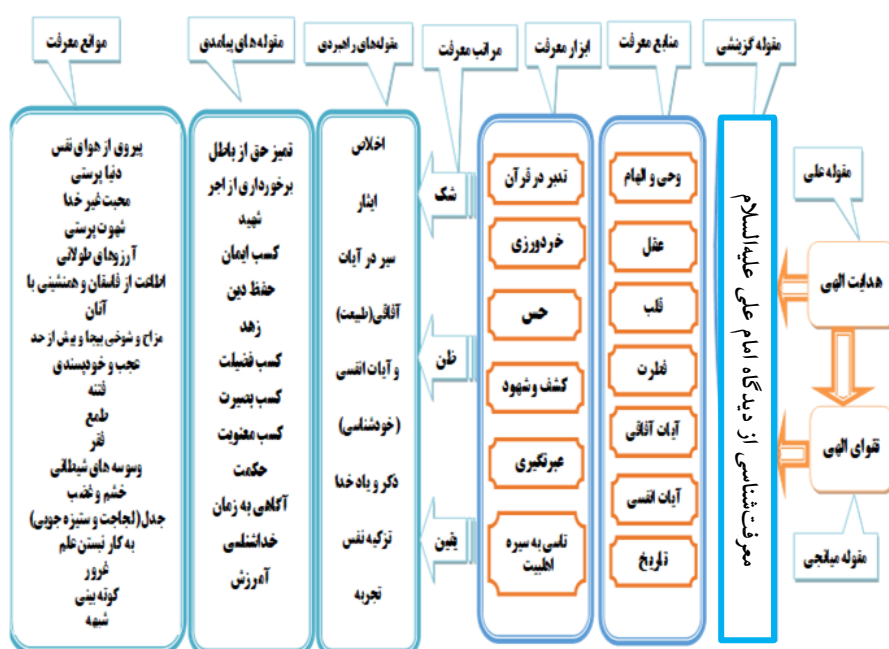
مقوله‌گزینی (انتخابی/ هسته‌ای/ پدیده مرکزی)

سومین و آخرین مرحله از کدگذاری در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، کدگذاری گزینی است که کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله، محقق پس از تولید چند مقوله محوری، نیازمند تشخیص مفهوم کلیدی است که همه مقوله‌های محوری را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این مفهوم کلیدی یک مقوله سطح‌بالاست که توسط گلنزر (۱۹۷۸) به‌عنوان مقوله «مرکزی یا هسته‌ای» نامیده شده است. در این پژوهش، کد گزینی (مقوله مرکزی یا هسته‌ای) تحت عنوان معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) نام‌گذاری شد.

مدل/ الگوی پارادایمی

هنگام کار با داده‌های واقعی، روابط میان رویدادها و وقایع همواره آشکار نیست، زیرا روابط

میان مقوله‌ها می‌تواند، ضمنی یا تلویحی باشد. داشتن طرحی برای مرتب‌کردن و سامان‌دادن روابطی که پدیدار می‌شوند، ضروری است. این قبیل طرح‌ها را در فرایند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، الگوی پارادایمی می‌نامند.



شکل ۱. الگوی پارادایمی معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع)

سؤال شماره هشت. دلالت‌های تربیتی مبتنی بر معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) کدامند؟ در مقاله حاضر ابتدا به بررسی مسائل معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته شد، سپس تبیین‌های جامعی درخصوص مسائل اساسی معرفت‌شناسی، شامل چیستی، مراتب، منابع، ابزار، موانع و پیامدهای معرفت همچنین راهبردهای کسب معرفت از دیدگاه امام علی (ع) ارائه شد، از آنجا که مباحث معرفت‌شناسی از بنیان‌های اصلی تربیت است، این تبیین‌ها مبنای لازم برای استنباط و استخراج دلالت‌های تربیتی را فراهم می‌آورند. دلالت‌های تربیتی به معنای استنباط و استنتاج مدلول‌های تربیتی از گزاره‌های بدیهی یا اثبات‌شده فلسفی، یکی از موضوعات اساسی فلسفه تعلیم و تربیت به شمار می‌آید؛ چراکه فلسفه تعلیم و تربیت دانشی است که در پی تبیین عقلانی

مبانی تعلیم و تربیت است و در پرتو این مبانی، به بررسی مؤلفه‌های تربیتی نظیر مفهوم تربیت، مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و موضوعات تربیتی می‌پردازد؛ لذا در این قسمت از پژوهش به تبیین دلالت‌های تربیتی متأثر از مبانی معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) خواهیم پرداخت تا در پرتو آن دلالت‌های تربیتی مناسب نظیر مفهوم تربیت، مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و موضوعات تربیتی اتخاذ شود، چراکه دیدگاه‌های مختلف معرفت‌شناسی می‌تواند دلالت‌های متفاوت و متناقض تربیتی را در پی داشته باشد.

اهداف تربیت از دیدگاه امام علی (ع)

هدف در لغت به معنای «قصد» «غایت» «غرض» «انگیزه» «نهایت» و «سرانجام کاری» است. اما هدف در تربیت، به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به صورت آگاهانه سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، باید فعالیت‌های تربیتی مناسبی صورت پذیرد (اعرافی، ۱۳۸۳: ۳). صاحب‌نظران اهداف تربیتی را به چهار سطح هدف غایی (آرمانی) اهداف کلی، اهداف فرعی (واسطه‌ای) و اهداف عینی (رفتاری) تقسیم می‌کنند. بر مبنای معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) هدف غایی تربیت «قرب الهی از طریق عبودیت و بندگی خداوند متعال» است، در همین زمینه آقا امیرالمؤمنین در خطبه یکم نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ»: «سرآغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا، باورداشتن او و کمال باورداشتن خدا، شهادت به یگانگی (توحید) او است و کمال توحید (شهادت بر یگانگی خدا) اخلاص برای او است». بر همین اساس، نخستین و اساسی‌ترین هدف تربیت از دیدگاه امام علی (ع) رابطه انسان با خداست.

یکی از منابع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) خود انسان است. لذا برترین حکمت‌ها، معارف و دانش بشر از دیدگاه آن حضرت «خودشناسی» است. بر این اساس و به استناد نتایج تحقیق دومین هدف تربیت، از دیدگاه امام علی (ع) رابطه انسان با خود است.

امام علی (ع) در نامه ۳۱ که منشور تربیتی آن حضرت به حساب می‌آید، به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَاحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا» (نامه ۳۱): «پسرم خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده، بنابراین، آنچه برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست بدار و هر چه برای خود نمی‌خواهی برای دیگران هم معخواه». بر همین اساس بیشترین تأکید آن حضرت بر قراری حسن رابطه با دیگران است. لذا می‌توان

نتیجه گرفت که از دیدگاه امام علی(ع) ارتباط انسان با دیگران، سومین هدف کلی تربیت است. یکی از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع) آیات آفاقی (طبیعت) است. لذا چهارمین هدف تربیت از دیدگاه امام علی(ع)، ارتباط انسان با طبیعت است. با توجه به آنچه گذشت، اهداف کلی تربیت از دیدگاه امام علی(ع) را می‌توان در قالب چهار هدف کلی شامل «ارتباط با خدا» «ارتباط با خود» «ارتباط با دیگران» و «ارتباط با طبیعت» دانست.

هدف‌های فرعی (واسطه‌ای) در زمینه رابطه انسان با خدا از دیدگاه امام علی(ع) تربیت معنوی انسان که دربرگیرنده تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی و تبیین‌کننده انواع ارتباط نظری و عملی انسان با خداوند است، پیوند انسان با خدا از معرفت و شناخت او آغاز و با شناخت فلسفه و هدف بعثت انبیای الهی و مباحث مربوط به معاد و جهان پس از مرگ، عدل و امامت ادامه خواهد یافت و سپس با ایمان به خدا، تقوای الهی، اخلاص و توکل، بندگی و عبودیت و احساس تکلیف و شکرگزاری گسترش می‌یابد.

هدف‌های فرعی (واسطه‌ای) در زمینه ارتباط انسان با خود شامل دو بعد جسمی و روحی و روانی است. معیار و ملاک تقسیم‌بندی اهداف تربیتی در زمینه ارتباط انسان با خود، ساختار وجودی او است. انسان در بعد روحی و روانی دارای سه جنبه شناختی، عاطفی (گرایشی) و ارادی است. در جنبه شناختی اهدافی مانند پرورش قوه عقل و تفکر، فراگیری علوم و معارف، تعالی اندیشه و خودشناسی مورد توجه قرار می‌گیرند. در جنبه عاطفی (گرایشی) اهدافی مانند پرورش حقیقت‌جویی، پرورش حس خداجویی، پرورش فضیلت‌جویی، پرورش گرایش به کمال‌گرایی، پرورش گرایش به زندگی اجتماعی و پرورش گرایش به دفاع، مورد توجه قرار می‌گیرند و در جنبه ارادی اهدافی مانند تقویت اراده، تقویت روحیه خودباوری و حس اعتمادبه‌نفس و... مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین در بعد جسمانی اهدافی مانند حفظ و ارتقای سطح سلامت جسمانی، پرورش قوای جسمانی و رعایت بهداشت فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند.

ارتباط انسان‌ها با یکدیگر را می‌توان در چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی طبقه‌بندی نمود. بر همین اساس، هدف‌های فرعی (واسطه‌ای) در زمینه روابط انسان با دیگران شامل تربیت اجتماعی، تربیت فرهنگی، تربیت سیاسی و تربیت اقتصادی است.

هدف‌های فرعی (واسطه‌ای) در زمینه ارتباط انسان با طبیعت شامل شناخت خلقت، حفظ محیط‌زیست و بهره‌گیری صحیح از آن است.

روش‌های تربیت

نتایج تحقیق در پاسخ به سؤال سوم نشان داد «وحی و الهام» یکی از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع) و ابزار مناسب برای آن تدبر در قرآن و تأسی به سیره اهل‌بیت است. لذا روش‌های تربیتی مناسب برای بهره‌گیری از منبع وحی، ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس، اخلاص، خردورزی (تعقل / تفکر) و روش‌های الگویی است.

یکی دیگر از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، «فطرت» است. فطرت، منشأ حرکت و تکاپوی دائمی انسان به سوی کمال است. کشش‌ها و گرایش‌های فطری برخلاف کشش‌های غریزی، ریشه در اندام‌های جسمی ندارند و از ویژگی‌های ثابت و اصیل روحی هستند. گرایش‌های فطری نیز آگاهانه نبوده و شکوفایی استعدادها، فطری، مشروط به برطرف کردن موانع آنها و قرار گرفتن درجهت اصلی کمال است. بنابراین، گرایش‌های فطری، قابل تربیت و پرورش هستند. گاهی این گرایش‌ها، تحت تأثیر وسوسه‌های شیطان و بر اثر عدم هدایت و پرورش صحیح، از مسیر اصلی خود خارج شده و زمینه و وسیله‌ای برای اغوا می‌شوند. لذا به استناد نتایج تحقیق، روش‌های مناسب برای تربیت فطرت شامل ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس، اخلاص، موعظه، امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد «طبیعت» یکی دیگر از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع) و ابزار مناسب برای آن حواس پنج‌گانه است. لذا روش‌های تربیتی مناسب برای شناخت طبیعت و بهره‌گیری صحیح از آن، سیر در آیات آفاقی، تجربه، روش‌های اکتشافی - تجربی، مشاهده و حل مسئله است. از دیگر منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، «خود انسان» است. لذا برترین حکمت‌ها، معارف و دانش بشر از دیدگاه آن حضرت «خودشناسی» است. کسب این نوع معرفت جز از طریق خودسازی، اخلاص، ایثار، ذکر و یاد خدا، تزکیه، تبشیر و انذار میسر نخواهد بود.

نتایج تحقیق نشان داد یکی دیگر از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، «عقل» است. راهبرد و روش مناسب برای بهره‌گیری از این منبع خردورزی (تعقل / تفکر)، پرسش و پاسخ و گفتگو و مذاکره است. از دیگر منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، «قلب / دل» است. بهره‌گیری از این منبع جز از طریق تربیت عرفانی و روش‌های کشف و شهود، خودسازی، اخلاص، ایثار، ذکر و یاد خدا و تزکیه تبشیر و انذار میسر نخواهد شد. آخرین منبع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، «تاریخ» است. روش‌های مناسب برای بهره‌گیری از این منبع، آشنایی با سرنوشت گذشتگان و عبرت از آن، قصه و ضرب‌المثل است.

موضوعات تربیت

یکی از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، وحی و الهام است. لذا موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل علوم قرآن، اصول و اعتقادات، فقه و اصول است. از دیگر منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، عقل است که از موضوعات تربیتی مناسب با آن می‌توان به موضوعاتی مانند حکمت، فلسفه، منطق، کلام و روش‌های تربیت عقلانی نام برد. یکی از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، قلب (دل) است که موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل آموزش اخلاق نظری و عملی و عرفان است.

خود انسان و فطرت او از دیگر منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع) است. همچنین راهبرد مناسب برای بهره‌گیری از این منبع، سیر در آیات انفسی است. لذا موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل انسان‌شناسی از دیدگاه اسلام، علم‌النفس (روان‌شناسی از دیدگاه اسلام) و علم بدن است.

طبیعت یکی دیگر از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع) همچنین راهبرد مناسب برای بهره‌گیری از این منبع، سیر در آیات آفاقی است. لذا موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل زمین‌شناسی، نجوم، علوم تجربی و پایه (شامل زیست‌شناسی، جغرافیا، فیزیک، شیمی و ریاضیات) است. یکی دیگر از منابع معرفت از دیدگاه امام علی(ع)، تاریخ است. لذا موضوع تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل علم تاریخ است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان، آگاهی از حقایق هستی و شناسایی ابعاد مختلف آن یعنی مسئله معرفت است. فلاسفه مسلمان از میان معانی متعدد و کاربردهای گوناگون معرفت، معنای لغوی آن را که مطلق آگاهی و شناخت است در نظر گرفته و آن را به کار برده‌اند. از این رو، در این مقاله منظور از معرفت، مطلق آگاهی و شناخت است. هدف این پژوهش، معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی(ع) باتأکید بر دلالت‌های تربیتی آن، در قالب مفهوم‌شناسی معرفت، شناسایی منابع، ابزار، موانع و پیامدهای معرفت همچنین شرایط علی و میانجی و راهبردهای توسعه معرفت از دیدگاه امام علی(ع) و تبیین دلالت‌های تربیتی آن است.

نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که شرط علی کسب معرفت «هدایت الهی» و شرط میانجی کسب معرفت شامل «تقوای الهی» و مراتب معرفت شامل «یقین، ظن و شک» و منابع معرفت شامل: وحی (قرآن، پیامبر و اهل‌بیت، الهام)، عقل، قلب (دل)، طبیعت، تاریخ و فطرت» و ابزار معرفت شامل تعقل (تفکر)، تدبیر در قرآن، تأسی به سیره اهل‌بیت، حس، کشف و شهود، عبرت‌گیری و سیر در آفاق و انفس است. همچنین موانع معرفت شامل: پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی، محبت غیرخدا، شهوت‌پرستی، آرزوهای طولانی، اطاعت از فاسقان و هم‌نشینی با آنان، مزاح و شوخی بیجا و بیش‌ازحد، عجب و خودپسندی (خودشیفتگی)، فتنه، طمع، فقر، وسوسه‌های شیطانی، خشم و غضب، جدل (لجاجت و ستیزه‌جویی)، به‌کارن بستن علم، غرور، کوته‌بینی و شبهه» و پیامدهای معرفت شامل «تمیز حق از باطل، برخورداری از اجر شهید، کسب ایمان، حفظ دین، زهد، کسب فضیلت، کسب بصیرت، کسب معنویت، حکمت، آگاهی به زمان خویش، خداشناسی و آمرزش» و راهبردهای توسعه معرفت شامل: اخلاص، ایثار، خودشناسی، ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس و تجربه» است.

مقایسه نتایج و یافته‌های تحقیق با نظرات صاحب‌نظران و با نتایج و یافته‌های تحقیقات پیشین نشان داد که مرتبه یقین با نظر (جوادی آملی، ۱۳۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ و حسین‌زاده، ۱۳۸۶)، همخوانی دارد. مرتبه ظن با نظر (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ و حسین‌زاده، ۱۳۸۶) و مرتبه شک با نظر (جوادی آملی، ۱۳۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ و حسین‌زاده، ۱۳۸۶)، همخوانی دارد. همچنین مقایسه نتایج و یافته‌های تحقیق با نظرات صاحب‌نظران و با نتایج و یافته‌های تحقیقات پیشین نشان داد که منابع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) در بحث وحی با (جوادی آملی، ۱۳۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶) در عقل با (مطهری، ۱۳۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸)؛ و در قلب (دل) با (مطهری، ۱۳۷۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸) و در طبیعت با (مطهری، ۱۳۷۱) و در «تاریخ» با (مطهری، ۱۳۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶) و در فطرت با (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶)، همخوانی دارد.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که ابزار معرفت از دیدگاه امام علی (ع) شامل حس، تعقل (تفکر)، تدبیر در قرآن و تجربه است که در حس با نتایج و یافته‌های (مطهری، ۱۳۷۱؛ سبحانی، ۱۳۸۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸؛ و جوادی آملی، ۱۳۸۷) و در تعقل (تفکر) با (مطهری، ۱۳۷۱) و در تجربه با (سبحانی، ۱۳۸۲)، همخوانی دارد.

لازم به ذکر است علاوه بر موارد فوق، مطهری (۱۳۷۱) تزکیه نفس را ابزار شناخت معرفی می‌کند و مکارم شیرازی (۱۳۸۶) حس و تجربه، کشف و شهود را منبع معرفت برمی‌شمارد و جوادی آملی (۱۳۸۷) قلب را ابزار معرفت معرفی می‌کند.

بنیادها و مفروضات فلسفی، به‌ویژه معرفت‌شناسی، نقش مهمی در تعیین خط‌مشی‌های تربیتی و استنباط مؤلفه‌های آن دارد. از آنجاکه مباحث معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) نگاهی جامع و فراگیر به تمامی ابعاد هستی و انسان‌شناسی دارد، از مجموع یافته‌های این پژوهش، می‌توان نسبت به استنباط و استنتاج استلزامات و دلالت‌های تربیتی مناسب با آن اقدام نمود.

نتایج و یافته‌های تحقیق نشان داد که هدف غایی تربیت بر مبنای معرفت‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع)، «قرب الهی از طریق عبودیت و بندگی خداوند متعال» است. همچنین اهداف کلی تربیت از دیدگاه امام علی (ع) را می‌توان در قالب چهار هدف کلی شامل «ارتباط با خدا»، «ارتباط با خود»، «ارتباط با دیگران» و «ارتباط با طبیعت» طبقه‌بندی نمود.

هدف‌های فرعی (واسطه‌ای) در زمینه رابطه انسان با خدا از دیدگاه امام علی (ع)، تربیت معنوی و در زمینه ارتباط انسان با خود شامل تربیت در دو بعد جسمی و روحی و روانی است. همچنین هدف‌های فرعی در خصوص ارتباط انسان با دیگران شامل تربیت اجتماعی، تربیت فرهنگی، تربیت سیاسی و تربیت اقتصادی و در زمینه ارتباط انسان با طبیعت شامل شناخت خلقت، حفظ محیط‌زیست و بهره‌گیری صحیح از آن است.

یکی از منابع معرفت «وحی و الهام» بود که روش‌های تربیتی مناسب برای بهره‌گیری از آن، ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس، اخلاص، خردورزی (تعقل / تفکر) و روش‌های الگویی و موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی، علوم قرآنی، اعتقادات و فقه و اصول است.

یکی دیگر از منابع معرفت «فطرت» است که به استناد نتایج تحقیق، روش‌های مناسب برای تربیت فطری شامل ذکر و یاد خدا، تزکیه نفس، اخلاص، موعظه، امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین «طبیعت» از دیگر منابع معرفت است که روش‌های تربیتی مناسب برای شناخت طبیعت و بهره‌گیری صحیح از آن، سیر در آیات آفاقی، تجربه، روش‌های اکتشافی - تجربی، مشاهده و حل مسئله و موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل زمین‌شناسی، نجوم، علوم تجربی و پایه (شامل زیست‌شناسی، جغرافیا، فیزیک، شیمی و ریاضیات) است. منبع دیگر معرفت «خود انسان» است که کسب این نوع معرفت جز از طریق خودسازی، اخلاص، ایثار، ذکر و

یاد خدا، تزکیه، تبشیر و انذار، میسر نخواهد بود و موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل: انسان‌شناسی از دیدگاه اسلام، علم‌النفس (روان‌شناسی از دیدگاه اسلام) و علم بدن است. نتایج تحقیق نشان داد، یکی دیگر از منابع معرفت «عقل» است که راهبرد و روش مناسب برای بهره‌گیری از این منبع، خردورزی (تعقل / تفکر)، پرسش و پاسخ و گفتگو و مذاکره و موضوعات تربیتی مناسب با آن حکمت، فلسفه، منطق، کلام و روش‌های تربیت عقلانی است. از دیگر منابع معرفت «قلب / دل» است، بهره‌گیری از این منبع جز از طریق تربیت عرفانی و روش‌های کشف و شهود، خودسازی و اخلاص، ایثار، ذکر و یاد خدا و تزکیه تبشیر و انذار، میسر نخواهد شد و موضوعات تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی شامل آموزش اخلاق نظری و عملی و عرفان است. آخرین منبع معرفت از دیدگاه امام علی (ع) «تاریخ» است، روش‌های مناسب برای بهره‌گیری از این منبع، آشنایی با سرنوشت گذشتگان و عبرت‌گیری از آن، قصه و ضرب‌المثل و موضوع تربیتی مناسب برای این منبع معرفتی، علم تاریخ است.

منابع

- ابراهیمی، مریم و علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۵)، شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، دوفصلنامه کتاب قیم، ۶ (۱۴): ۲۷ - ۴۵.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی (۱۳۹۴)، تحف‌العقول، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- اعرافی، علی‌رضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی‌نقی و ابوجعفری، محمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۹)، امام علی (ع) و راهکارهای اصلاح معرفت، نشریه حوزه، شماره ۱۰۱ و ۱۰۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، معرفت‌شناسی در قرآن کریم، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، اخلاق در قرآن کریم، قم: انتشارات اسراء.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۳)، مبانی اندیشه اسلامی جلد اول: درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۶)، منابع معرفت، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رستمی‌نسب دولت‌آباد، زینب (۱۳۹۴)، شناخت‌شناسی از نگاه امام صادق (ع) با تأکید بر دلالت‌های تربیتی آن، کرمان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد کرمان.
- رمضانی، رضا (۱۳۸۱)، معرفت‌شناسی عرفانی، قیسات، ۷ (۲۴): ۱۵ - ۳۹.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، شناخت در فلسفه اسلامی، چاپ دوم، قم: انتشارات توحید.

- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۰)، فهم قرآن از معرفت ظنی تا معرفت یقینی، فصلنامه معرفت، ش ۴۸: ۲۴ - ۱۷.
- شب‌خیز، محمدرضا (۱۳۹۳)، فرهنگنامه اصول فقه، تهران: کتاب آوا.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶)، نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و اسلام، فصلنامه معرفت، ش ۱۱۹: ۱۰۰ - ۸۱.
- شریف، رضی (۱۳۷۶)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۸۲)، اوصاف الاشراف، سیدمحمدرضا غیائی کرمانی، چاپ سوم، ج ۱، قم: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی حضور.
- عزیزی، عباس (۱۳۸۷)، درآمدی بر معرفت‌پژوهی در نهج البلاغه، مجله پژوهش و حوزه، ش ۱۲: ۹۰ - ۸۰.
- فرهادیان، رضا (۱۳۹۰)، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، چاپ چهارم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۸۰)، معرفت‌شناسی دینی، قم: زلال کوثر.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)، مبانی شناخت، چاپ دوم، قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد و برنجکار، رضا (۱۳۸۶)، دانشنامه عقاید اسلامی: معرفت‌شناسی، ج ۱، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مشکینی اردبیلی، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، اصطلاحات الاصول و معظّم ابحاثها، چاپ هفتم، قم: دفتر نشر الهادی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، آموزش فلسفه، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مسئله شناخت، چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، انوار هدایت مجموعه مباحث اخلاقی، چاپ اول، قم: انتشارات امام علی (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، چاپ نهم، تهران: دارالکتب اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۸۷)، جواهرالکلام، قم: انتشارات در راه حق.

